تَجویدُ الصَّلاة مُصَوَّر

«آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز»

فشرده و گویا برای همه

قابل استفاده به صورت پرده نگار (پاورپوینت)

تهیه و تنظیم: شیخ علی حبیبی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلاٰمُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ

اَبِي الْقٰاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ

﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنٰا وَ تَقَبَّلْ دُعٰاءِ ﴾

پروردگارا، مرا برپا کنندهٔ نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)

پرودگارا، دعای مرا بپذیر (و به درجهٔ اجابت برسان). (ابراهیم/۴۰)

تقدیم به:

مولود کعبه و اولین شهید محراب

امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام

و شهدای محراب انقلاب اسلامی ایران

❊ ❊ ❊ ❊

استفاده و تکثیر این نوشته، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است،
مشروط به این که فروش آن به قیمت تمام شده باشد.

قم ـ شیخ علی حبیبی ـ شماره همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

تَجویدُ الصَّلاة مُصَوَّر

«آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز»

فشرده و گویا برای همه

قابل استفاده به صورت پرده نگار (پاورپوینت)

تهیه و تنظیم: قم – شیخ علی حبیبی

سرشناسه: حبیبی، علی، ۱۳۳۷ ـ
عنوان و نام پدیدآور: تجوید الصلاة مصور: آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز: فشرده و گویا برای همه قابل استفاده بـه صـورت پرده‌نگار (پاورپوینت) / تهیه و تنظیم: علی حبیبی
مشخصات نشر: قم: روحانی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.: مصور (رنگی)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۴۸-۵۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
موضوع: نماز ـ راهنمای آموزشی
موضوع: قرآن ـ قرائت ـ راهنمای آموزشی
موضوع: قرآن ـ تجوید ـ راهنمای آموزشی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۳ ت ۲ ح / ۷ / BP۱۴۷
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳۰۷
شماره کتابشناسی: ۹۵۸۲۷۲۶

● تجوید الصّلاة مُصَوَّر (آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز) ● تألیف: شیخ علی حبیبی
● ناشر: انتشارات روحانی ● چاپ: هفتم، بهار ۱۳۹۸ ● تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
● قطع: جیبی، ۸۰ صفحه مصور (رنگی) ● قیمت: ۳۰۰۰ تومان
● شابک: ۷-۵۶-۵۸۴۸-۹۶٤-۹۷۸
مرکز پخش: قم، خیابان ارم، پلاک ۳۲۵ ـ تلفن: ۳۷۷٤۱۷۷٦

پیـــش گفتـــار

﴿ إِنَّ الصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴾

همانا نماز، به عنوان فریضه‌ای واجب، در اوقات مختلف شبانه‌روز، بر مؤمنان قرار داده شده است. (نساء/ ۱۰۳)

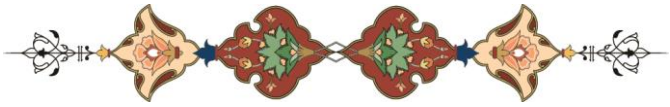

نماز یکی از واجباتِ ضروریِ دین اسلام است و بر هر زن و مرد مسلمانی که به سنِّ تکلیف می‌رسند، واجب است در هر شبانه‌روز، هفده رکعت (در پنج وقت مُعیّن) نماز بگذارند.

اهمّیّت و جایگاه نماز در اسلام

در اهمّیّت **«نماز»** همین بس که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را **«پایه و اساس دین اسلام»** قرار داده «اِنَّ عَمودَ الدّینِ الصَّلاةُ» و فرموده‌اند: **«اولین عملی که (در روز قیامت) مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است، اگر (صحیح و) مورد قبول واقع شود، سایر اعمال نیز مورد قبول قرار می‌گیرد و اگر بازگردانده شود (و مورد قبول واقع نشود)، سایرِ اعمال نیز بازگردانده خواهد شد (و مورد قبول قرار نخواهد گرفت)».** (وسائل‌الشیعه، ج۳، ص۲۳و۲۲، حدیث۱۳و۱۰)

وجوب قرائت قرآن در نماز

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْءَانِ﴾ (مُزَّمِّل، ۲۰)

این آیهٔ شریفه، دلالت بر وجوب قرائت قرآن در نماز دارد.

امام رضاعليه‌السلام: «علّت وجوب قرائت قرآن در نماز» را این‌گونه می‌فرماید:

«برای این که قرآن، مهجور و ضایع نگردد و باید حفظ و به صورت درس درس خوانده شود و نابود و فراموش نگردد». (من‌لایحضره الفقیه/۲۰۳/۱)

«قرآن»، قانون اساسی و کتاب زندگی مسلمانان است، از این‌رو بر هر مکلفی واجب است که به مقدار لازم برای تعلیم و تربیت، و آگاهی بر اصول و فروع اسلام و همچنین حفظ قرآن ورساندن آن به نسل‌های آینده تلاوت کند. از این‌رو قرائت قرآن در نماز واجب گردیده است تا همه مسلمانان با قرآن مأنوس باشند.

یکی از اذکار واجب نماز **«قرائت حمد و سوره»** است و این قرائت باید به صورت «ترتیل» باشد ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا﴾. (مزّمّل / ۲۰)

گویاترین تفسیر از معنای «ترتیل» در فرمایش امیرمؤمنان حضرت علی‌ابن‌ابی‌طالب علیه‌السلام آمده است: «اَلتَّرتیلُ حِفظُ الوُقوفِ وَبَیانُ الحُروفِ»[1]

علمای قرائت با راهنمایی‌های آن حضرت، برای «بیان الحروف»، «علم مخارج حروف (تجوید)» و برای «حفظ الوقوف»، «علم وقف و ابتدا» را نوشتند.

سعی ما در این نوشته: «بررسی و آموزش قواعد تجوید و وقف و ابتدا در قرائت قرآن و نماز»، براساس فتوای مراجع بزرگوار تقلید است.

---

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحارالأنوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳، «اداءُ الحروف» نقل شده است.

علم تجوید

«تجوید» ، در لغت : «تحسین و نیکوسازی» ؛ و در اصطلاح قرائت:

«اِخراجُ کُلِّ حَرفٍ مِن مَخرَجِهِ مَعَ اِعطائِهِ حَقَّهُ وَ مُستَحَقَّهُ»

تلفظ هر حرفی است از مخرج آن، با در نظر گرفتن و رعایت

حَقّ حرف (صفات ذاتی و مُمَیِّزه که لازمهٔ حرف است و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند) **و مُستَحَقّ حرف** (صفات عارضی و مُحسِّنه که بر اثر ترکیب حروف، عارض می‌شود و باعث روان و فصیح ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌گردند).

موضوع علم تجوید: «صحیح‌خوانی قرآن کریم ازنظر مخارج وصفات است».

حکم شرعی رعایت قواعد تجوید

همهٔ فقهای شیعه و مراجع بزرگوار تقلید، در این مسأله اتفاق نظر دارند:

«رعایت قواعد زبان عربی و ادای حروف از مخارج آنها به طوری که اهل لِسان (علمای ادبیات و تجوید)، آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر، و همچنین رعایت صفات ذاتی (که در طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند)، بر همهٔ افراد واجب است»[1].

اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنه (که هنگام ترکیب حروف، عارض می‌گردد و باعث روان و نیکو ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌شود)، مستحب است[2].

---

۱ – ۲. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و عروة الوثقی، کتاب‌الصلاة، احکام القراءة، مسأله ۳۷ و ۵۳.

ملاک صحّت قرائت نماز

«تلفظ حروف به صورت عربی صحیح به‌طوری که از یکدیگر تمیز داده شوند در نماز واجب است». **شهید اول ملاک عربی صحیح را:** «تلفظ حروف از مخرج آن که (علمای ادبیات و تجوید) به صورت متواتر نقل کرده باشند» **بیان کرده است.**

شهید ثانی در شرح آن می‌فرماید: «مراد تلفظ حروف است از مخارج آنها به‌طوری که حروف از یکدیگر تمیز داده شوند» **و در ادامه می‌فرماید:** «یادگیری مخارج حروف واجب عینی است، مگر اینکه با عرضه کردن قرائت بر عالم به مخارج حروف، یقین به صحت قرائت پیدا کنید که در این صورت واجب کفائی خواهد بود».

صاحب جواهر: «مراعات صفاتی که در طبیعت حروف نهفته است (صفات ذاتی که باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند) را شرعاً واجب می‌داند».

(رساله‌های عملیه و المقاصد العلیّه، لشرح رساله الألفیه، ص ۲۴۰ و ۲۵۶، و جواهر الکلام، ج۹، ص۳۹۸).

تشخیص تلفظ صحیح حروف از مخارج آنها

علمای تجوید در رابطه با «تشخیص تلفظ صحیح حروف از مخارج آنها» گفته‌اند: «حرف را ساکن و با الف متحرکی تلفظ کنید، اگر صدای حرف از مخرج آن با صفات ذاتی و مُمَیّزه (که مُتَّفقٌ علیه علمای قرائت و تجوید است، خارج گردید)، آن تلفظ صحیح است والّا صحیح نیست».

برای نمونه: «حرف ذال»، از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها تولید می‌گردد و این کافی نیست، زیرا که دو حرف « ثاء» و « ظاء» نیز چنین هستند؛ در اینجا باید صفاتی که این حروف را از یکدیگر تمیز می‌دهند نیز رعایت گردد.

تفاوت «ذال» با « ثاء» در ارتعاش و عدم ارتعاش تارهای صوتی است.

و تفاوت « ظاء» با « ذال» در درشتی و نازکی صدای آنها است.

﴿ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ یوسف / ۲

«ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که (در آن) اندیشه کنید».

قرآن کریم به زبان عربی است و در روایات سفارش شده که

«قرآن را به صورت عربی آن فرا گرفته و با لحن عربی بخوانید و آن را با صدای خود زینت دهید چرا که صوت نیکو بر زیبایی قرآن می‌افزاید».

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ».

«اِقرَؤُا الْقُرْآنَ بِاَلْحانِ الْعَرَبِ وَأَصْواتِها ...».

«حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِاَصْواتِكُمْ، فَاِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»[1].

۱ . بحارالانوار، ۹۲، ص۲۱۱، ح۶ و اصول کافی، ۲، ص۶۱۴، ح۳ و وسائل الشیعه، ۴، ۸۵۹.

لحن عربی حرکات و حروف مدّی

«رعایت لحن عربی حرکات و حروف مدّی در نماز، جزء محسّنات قرائت بوده و مستحب است»، و آشنایی با آن، آسان است.

در زبان عرب، به صداهای کوتاه (ـَ ـِ ـُ)، «حرکات» و به صداهای کشیده (ـا، ـی، ـو)، «حروف مدّی» می‌گویند.

زمان تلفظ صداهای کوتاه و کشیده نسبی بوده و با توجه به انواع قرائت‌ها (شمرده‌خوانی، تُندخوانی و معمولی) متفاوت است.

لحن عربی صدای فتحه، یاء و واو مدّی با فارسی یکسان است، تنها تفاوت مختصری در لحن عربی صدای کسره، ضمه و الف مدّی وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

لحن عربی کسره ـِ

«صدای کسرهٔ عربی» متمایل به «حرف یاء» است (شبیه صدای «ای» اما بدون کشش)، مانند صدای کسره در کلمات «بِیابان، خِیابان، نِیاز»؛ (ای بدون کشش اِ)

کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید.

اِبِلِ ـ مَلِكِ ـ فِي دِينِ ـ لَمْ يَلِدْ ـ بِسْمِ ـ فِيهِ

تَرْمِيهِمْ ـ لِرَبِّكَ ـ مِنَ الْجِنَّةِ ـ مِنْ شَرِّ ـ بِالدِّينِ

لحن عربی ضمّه ـُـ

«صدای ضمّه عربی» متمایل به «حرف واو» است. (شبیه صدای «او» اما بدون کشش)، مانند صدای ضمه در کلمات «خُروس، هُلو، بُلوک»؛ (او بدون کشش اُ)،

کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید:

رُسُلُ ـ رَسُولُ ـ قُلْ هُوَ ـ يَدْخُلُ ـ يَدْخُلُونَ

يَشْهَدُ ـ يَشْهَدُونَ ـ اَقُومُ ـ كُفُوًا ـ مُسْتَقِيمَ

صدای کشیدهٔ فتحه (الف مدّی) ـَا

«صدای کشیدهٔ فتحه» (الف مدی)، همان «صدای فتحه است اما با دو برابر مدّ و کشش»؛ (تَـ با دو برابر کشش صدای فتحه تَا).

شهید ثانی(ره) در شرح نَفلیه شهید اول(ره) می‌فرماید:

«باید از درشت و پرحجم خواندن الف مدی در تمامی حالات، پرهیز گردد چرا که الف مدّی از نظر درشتی و نازکی تابع حرف قبل از خود است».

حروفی که نازک و کم‌حجم ادا می‌شوند، الف مدّی بعد از آنها نیز به صورت نازک و کم‌حجم تلفظ می‌گردد؛ مانند: تَـ ← تَا

و حروفی که درشت و پرحجم ادا می‌شوند، الف مدی بعد از آنها نیز به صورت درشت و پرحجم تلفظ می‌گردد؛ مانند: طَ ← طَا

هنگـام تلفـظ «راء مفتـوح» و هفـت حـرف «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق»، صدای آنها به طرف کام بالا کشیده شده و به صـورت «درشـت و پـرحجم» ادا می‌شوند، صدای الف مدّی بعد از آنها نیز به طرف کام بـالا کشـیده شـده و درشت و پرحجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

خَالِدِينَ ـ صَادِقُ ـ ضَآلِّينَ ـ طَافَ ـ ظَالِمُ ـ غَاسِقٍ ـ قَامَتْ ـ رَاحِمُ

اما هنگام تلفظ «بقیهٔ حروف»، صدای آنها به طرف کام پایین کشیده شـده و به صورت « نازک و کم‌حجم» ادا می‌شوند، صدای الف مدی بعد از آنهـا نیـز به طرف کام پایین کشیده شده و نازک و کم‌حجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

ءَابَآءُ ـ مَالِكُ ـ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا ـ وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنٰهَا ـ اَلسَّلَامُ

تلفظ عربی لام جلالهٔ «الله»

حرف «لام» در زبان عربی به صورت «نازک» خوانده می‌شود، در نتیجه «الف مدّی» بعد از آن نیز باید به صورت «نازک» خوانده شود؛ مانند:

لَآ اِلٰهَ ـ مَلٰآئِکَةُ ـ اَلسَّلٰامُ ـ بِسْمِ اللّٰهِ ـ فِی دِینِ اللّٰهِ

اما «لام» جلالهٔ «الله» اگر «قبلش مفتوح و یا مضموم» باشد، به صورت «درشت و پرحجم» خوانده می‌شود و «الف مدّی» بعد از آن نیز باید «درشت و پرحجم» خوانده شود؛ مانند:

اَللّٰهُ اَکْبَرُ ـ هُوَ اللّٰهُ ـ اَللّٰهُمَّ ـ مِنَ اللّٰهِ ـ نٰارُ اللّٰهِ

لزوم رعایت صداهای کوتاه و کشیده

با توجه به سفارش قرآن که فرموده: «قرآن را شمرده و با دقّت بخوان» و روایاتی که شیوهٔ قرائت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را «شمرده و با رعایت کشش حروف مدّی» بیان کرده‌اند[1]؛ بر ما لازم است که صداهای کشیده را با دو برابر مدّ و کشش ادا کنیم تا از صداهای کوتاه تمییز داده شوند[2].

«رعایت نکردن صداهای کوتاه و کشیده» در قرائت اذکار نماز «باعث بطلان نماز می‌گردد»، برای روشن شدن مطلب، توجه شما را به یک مسأله شرعی (در صفحه بعد) جلب می‌نماییم.

---

۱. تفسیر مجمع البیان، ۵، ۳۷۸؛ ذیل آیهٔ ۵ سورهٔ مزمّل.

۲. این مسأله، اختصاص به قرائت قرآن ندارد، در زبان فارسی نیز چنین است، مانند:
«خام، خَم» ـ «رام، رَم» ـ «خاندان، خَندان».

توجه به یک مسألهٔ شرعی

شهید ثانی(ره) در شرح «رسالهٔ نَفِلیّه» شهید اول(ره) می‌فرماید:

«مِلاک در صحت اذکار نماز، تلفظ کلمات است نه قصد گوینده»

و در تکبیرة الاحرام «اَللّٰهُ اَکْبَرْ»، اگر فتحهٔ همزهٔ «اَللّٰهُ» با مدّ و کشش، «ءٰآللّٰهُ» خوانده شود؛ و یا الف مدّی لام «اَللّٰهُ» آورده نشود، «اَلَّهُ» خوانده شود؛ و یا فتحهٔ باء «اَکْبَرْ» با مدّ و کشش، «اَکْبٰارْ» خوانده شود، باعث بطلان نماز خواهد شد (العروة الوثقی، فصل فی تکبیرة الاحرام).

«ءٰآللّٰهُ اَکْبَرْ» جملهٔ استفهامیه است، یعنی: «آیا خداوند بزرگتر است؟»؛ «اَلَّه» به معنای «ابزار جنگی» می‌باشد؛ «اَکْبٰار» جمع کُبَر، به معنای «طَبل» است.

وجوب تلفظ حرف مشدّد به صورت صحیح

همهٔ مراجع تقلید: «رعایت اِعراب و تشدید کلمات در قرائت نماز واجب است».

و در رابطه با علّت وجوب رعایت تشدید فرموده‌اند: «تشدید جانشین حرف مُدغَم است».

«هدف از ادغام»: «سهولت در تلفظ است». و تنها فاصلهٔ تلفظ بین حرف ساکن (مُدغَم) و مُتحرّک (مُدغَمٌ فیه) را از بین می‌برد و تغییری در ذات حرف مشدّد به وجود نمی‌آورد، از این‌رو در تلفظ حروف مشدّدی که سایشی هستند باید دقت نمود تا به صورت انفجاری خوانده نشوند؛ مانند: «یاء مشدّد» در ﴿اِیَّاكَ﴾؛

و «صاد مشدّد» در ﴿اِهْدِنَا الصِّرٰاطَ﴾ و ﴿اَللّٰهُ الصَّمَدُ﴾؛

به ویژه در تلفظ «ضاد مشدد» در ﴿وَلَا الضَّآلِّينَ﴾ که اضافه بر سایشی بودن با کمی کشش صدای حرف در مخرج آن نیز همراه است.

لزوم دقت در تلفظ هاء ساکن

قال الباقر علیه السلام: «اِذا اَذَّنْتَ فَافْصَحْ بِالْاَلِفِ وَ الْهاءِ». (وسائل، ۴، ۶۳۹).

«وقتی اذان می‌گویی، الف و هاء را فصیح (آشکار و روشن) ادا کن».

مخرج «هاء»، «انتهای حلق و حالت مخفی بودن (خفاء) را دارد»، به ویژه وقتی که ساکن باشد، در این صورت «لازم است با فشار مختصری به انتهای حلق، حرف «هاء» را تقویت نمود تا شنیده شود»؛ مانند:

اِهْدِنا ـ بِحَمْدِهْ ـ لِمَنْ حَمِدَهْ ـ رَسُولُهْ ـ لا شَرِيكَ لَهْ ـ بَرَكاتُهْ

و اگر بعد از الف مدّی، قرار گیرد، در تلفظ الف مدّی نیز باید دقت نمود؛ مانند: اِلَّا اللّٰهْ ـ رَسُولُ اللّٰهْ ـ قَدْ قامَتِ الصَّلاهْ ـ اَلْحَمْدُ لِلّٰهْ ـ سُبْحانَ اللّٰهْ

آشنایی با تلفظ صحیح حروف عربی

همانگونه که می‌دانید، بسیاری از حروف عربی به همان شکل فارسی تلفظ می‌شوند و نیازی به آموزش و تمرین ندارند، تنها ده حرف « ث ، ح ، ذ ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، غ ، و » است که در عربی تلفظ آنها با فارسی تفاوت دارند، جهت یادگیری بهتر، نخست آنها را با حروف مشابه فارسی، مقایسه نموده و سپس به تمرین روی کلمات قرآن و اذکار نماز می‌پردازیم.

یادسپاری: در بعضی از مناطق ایران این تعداد حروف کمتر و یا بیشتر می‌باشد.

اعضای مهم دستگاه تکلّم

یادگیری و رعایت تلفظ صحیح حروف، مبتنی بـر شـناخت مخـارج آنهـا می‌باشد؛ ازاین‌رو لازم است نخست‌با اعضای دستگاه تکلّم آشنا شویم.

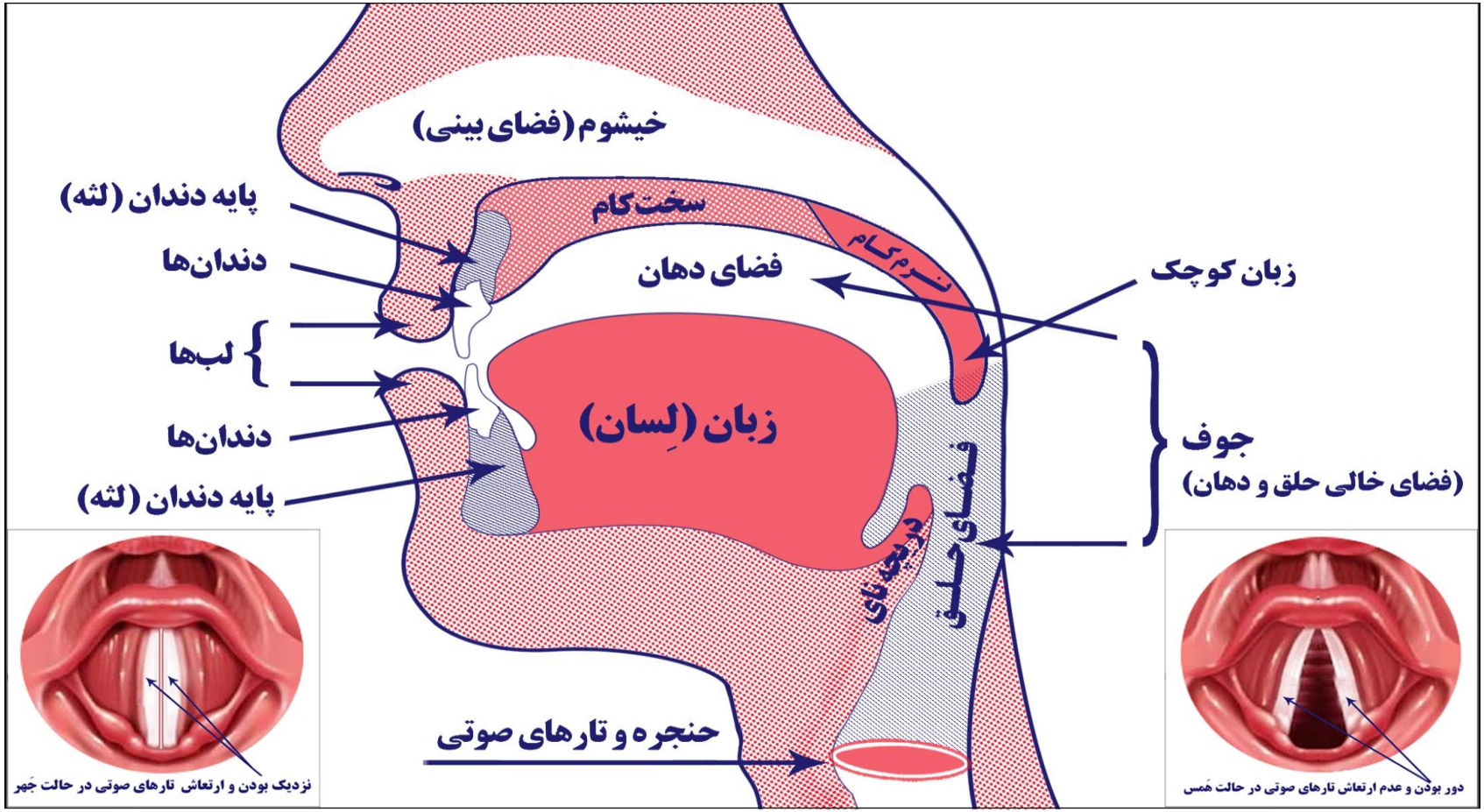

تفاوت حرف «حاء» از «هاء»

حرف «حاء»، در فارسی مانند حرف «هاء» از انتهای حلق و از محل حنجـره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق و با حالت گرفتگی» ادا می‌گردد.

هنگام تلفظ «حاء»، **«دریچهٔ نای کمی به عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و بدون ارتعـاش تارهای صوتی، صدای حرف بـه صورت نازک و کم‌حجم با حالـت گرفتگـی بـه دیـواره‌هـای حلـق کشیده می‌شود»**؛ **مانند:**

«اَهْوٰی، اَحْوٰی» - «اُهِلَّ، اُحِلَّ»

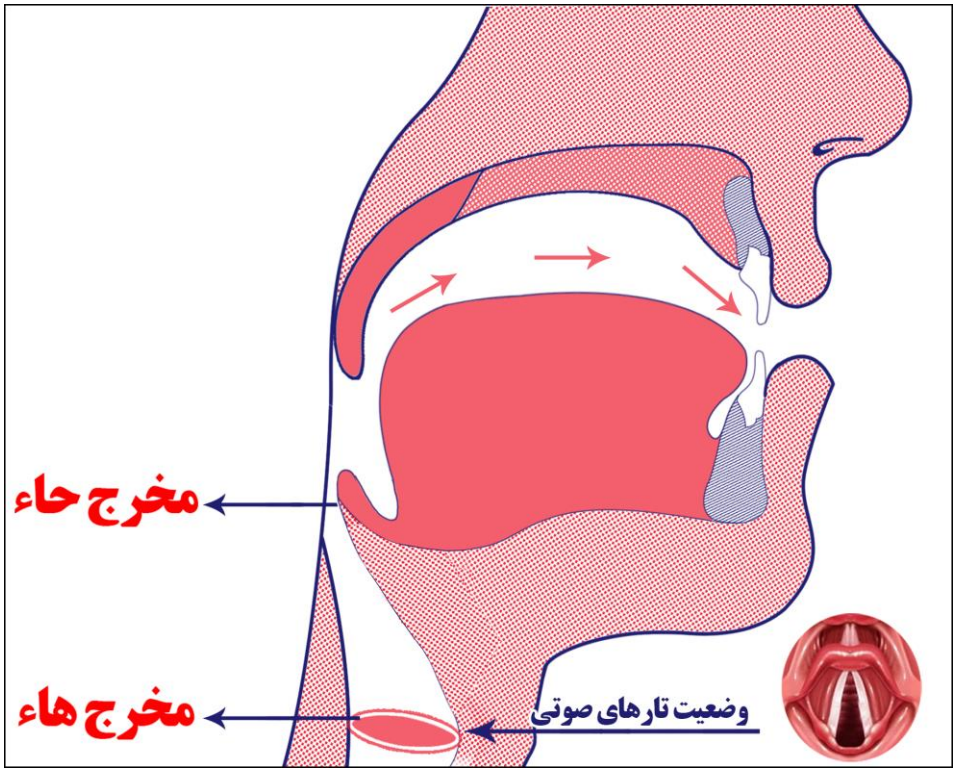

تمرین حرف «حاء»

اَلرَّحْمٰنِ ـ رَحْمَةُ ـ فَسَبِّحْ ـ فَلَاحْ ـ اَلْحَمْدُ ـ سُبْحٰانَ

حَسَنَةً ـ مُحَمَّدًا ـ اَلرَّحِيمِ ـ اَحَدٌ ـ نُسَبِّحُ ـ بِحَمْدِكَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ـ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ

رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْأٰخِرَةِ حَسَنَةً

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ـ سُبْحٰانَ اللّٰهِ ـ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ ـ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ

تفاوت حرف «عین» از «همزه (ء)»

حرف «عین»، در فارسی مانند حرف «همزه (ء)» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق» ادا می‌گردد، هنگام تلفظ «عین»، **«دریچهٔ نای به آرامی عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می سازد و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف کمی نرم به صورت نازک و کم حجم به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود»؛ مانند:**

«مَأْمُور، مَعْمُور» - «أَمَل، عَمَل»

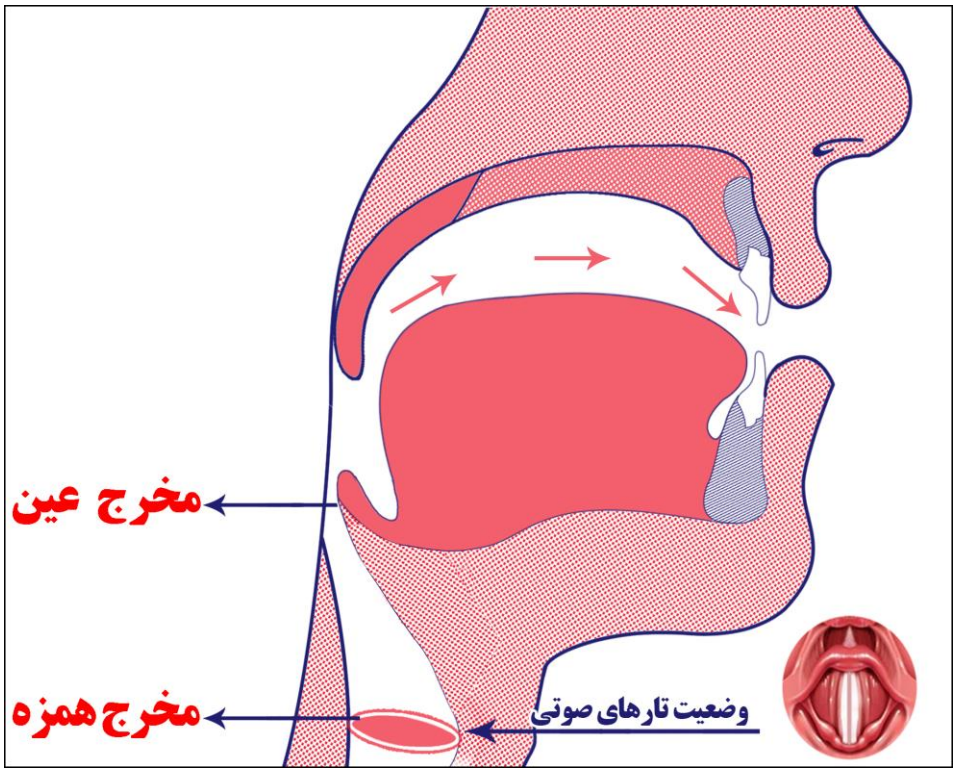

تمرین حرف «عین»

نَعْبُدُ ـ اَعْلٰی ـ لَآ اَعْبُدُ ـ مَا تَعْبُدُونَ ـ عَلِیًّا ـ عَلٰی

عٰالَمِینَ ـ عِبَادُ ـ نَسْتَعِینُ ـ اَقْعُدُ ـ عَلَیْهِمْ ـ عَبْدُهُ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ ـ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِینُ ـ حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ـ لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا حُجَّةُ اللّٰهِ ـ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَ بِحَمْدِهِ

تفاوت حروف «غین» و «قاف»

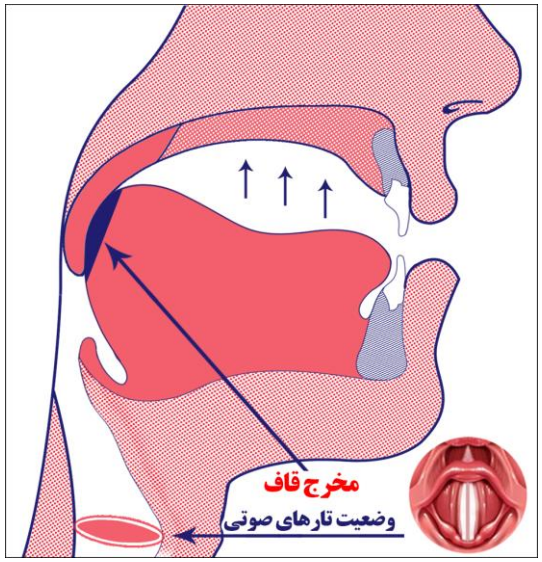

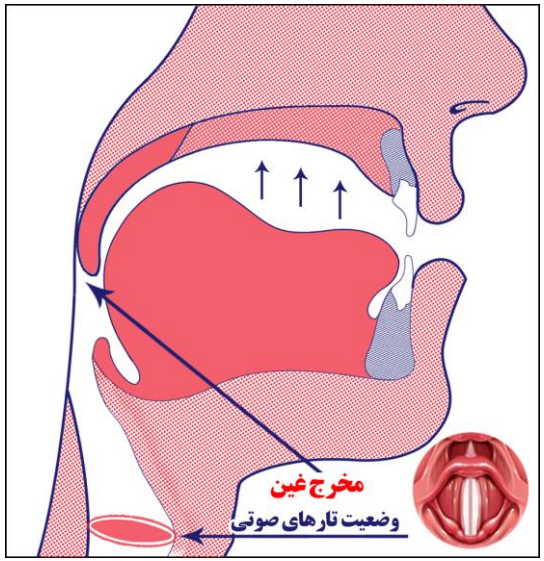

حرف «غین»، در فارسی مانند حرف «قاف» از اتصال ریشهٔ زبان با ابتدای زبان کوچک تلفظ می‌شود، اما در عربی، حرف «غین» از «ابتدای حلق»، (مرز میان حلق و دهان) ادا می‌گردد؛ هنگام تلفظ «غین»، **«ریشهٔ زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به نرمی به ابتدای دیواره‌های حلق کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد»؛ مانند:** «اَقْنٰی، اَغْنٰی» - «قَلَّ، غَلَّ»

تمرین حرف «غین»

اَسْتَغْفِرُ ـ اِغْفِرْ ـ لَا یُغْنِی ـ اَغْنٰی ـ فَاغْفِرْ

لَا تُزِغْ ـ وَاسْتَغْفِرْهُ ـ فَارْغَبْ ـ غَاسِقٍ ـ مُغِیرَاتِ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ ـ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِی

لَا یُسْمِنُ وَ لَا یُغْنِی مِنْ جُوعٍ ـ مَآ اَغْنٰی عَنْهُ مَالُهُ

رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا ـ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ ـ اِلٰی رَبِّكَ فَارْغَبْ

تفاوت واو عربی با فارسی

حروف «واو»، در فارسی از تماس دندان‌های بالا با لب پایین تلفظ می‌شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها، **«لب‌ها به صورت گرد (مانند شکوفه، شبیه حالت صدای «او») در می‌آید و صدای حرف همراه با ارتعاش تارهای صوتی از میان لب‌ها به صورت نازک و کم‌حجم خارج می‌شود»**؛ **مانند:** «اَوَّل، اَوّاب، قَوِیّ»

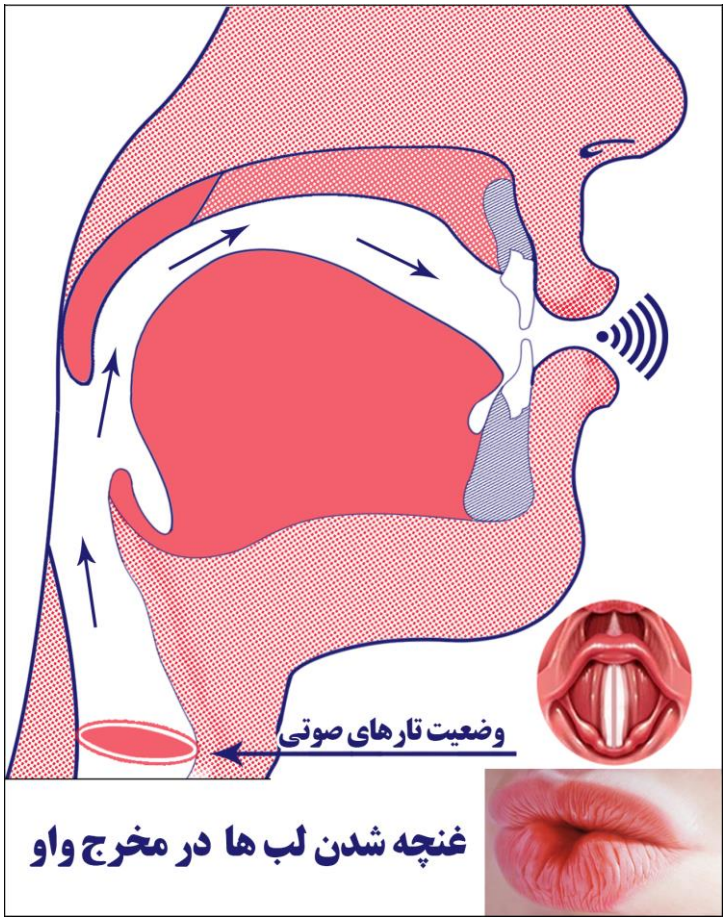

تمرین حرف «واو»

يَوْمِ ـ بِحَوْلِ ـ وَ قُوَّتِهِ ـ هُوَ ـ وَ لَمْ يَكُنْ ـ يُوَسْوِسُ

كُفُوًا ـ وَحْدَهُ ـ وَلِيُّ اللّٰهِ ـ وَ الْحَمْدُ ـ وَالِدَىَّ ـ تَوَّابِينَ

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ـ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ـ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ كُفُوًا اَحَدٌ

بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُومُ وَ اَقْعُدُ ـ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ

تفاوت حرف «صاد» از «سین»

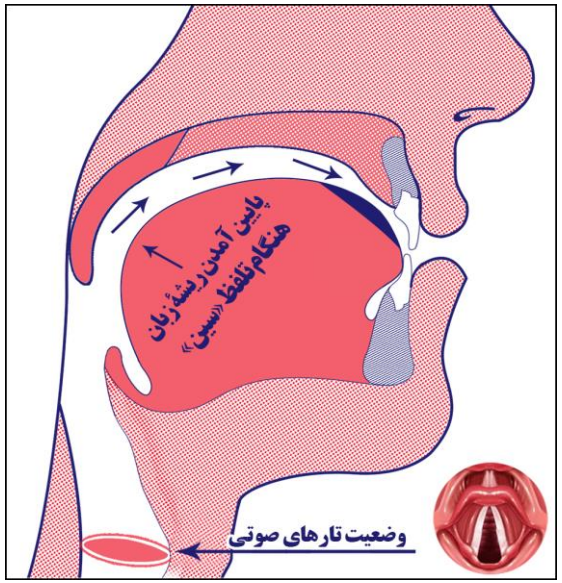

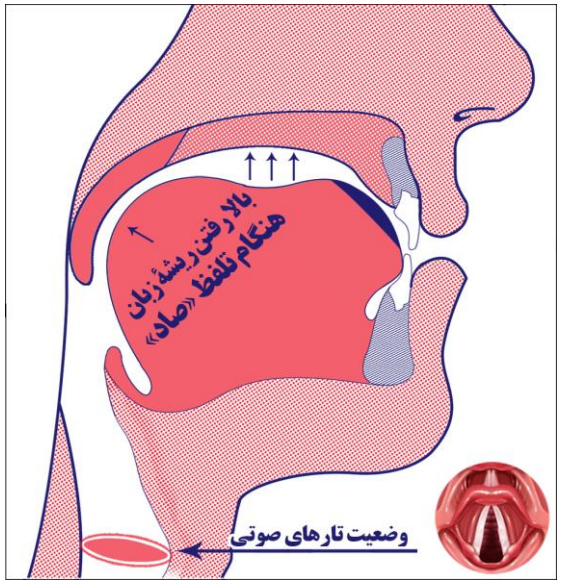

هنگام تلفظ دو حرف «صـاد» و «سـین»، بخـش جلویی سطح زبان به سطح صاف پشت لثهٔ ثنایای بالا نزدیک شده و با سایش هوا از ایـن شـکاف و مجرای باریک و بـدون ارتعـاش تارهـای صـوتی تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربـی، هنگـام تلفظ «صاد»، **«انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شـده و به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد»**.

مانند: «نَسَبًا، نَصَبًا» - «عَسْی، عَصْی»

تمرین حرف «صاد»

اَصْحٰابِ ۔ وَالْعَصْرِ ۔صَمَدُ ۔اَلصَّلٰوةُ ۔اَلصّٰالِحٰاتِ ۔اَصْابَ

تَوٰاصَوْا ۔ بِالصَّبْرِ ۔ صَلِّ ۔ حُصِّلَ ۔ فِي الصُّدُورِ ۔نَصُوحًا

اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحَابِ الْفِيلِ ۔وَالْعَصْرِ

اَللّٰهُ الصَّمَدُ ۔ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ ۔ قَدْ قٰامَتِ الصَّلٰوةُ

وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ وَ تَوٰاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوٰاصَوْا بِالصَّبْرِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عٰالِ مُحَمَّدٍ ۔وَ حُصِّلَ مٰا فِي الصُّدُورِ

استفاده از نوار برای آموزش قرائت

بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح، استفاده از نوارهای آموزشی قرائت قرآن کریم می‌باشد، برای این منظور، سورهٔ کوتاهی را انتخاب و مراحل ذیل را به ترتیب انجام دهید.

۱- پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛

۲- پخش دوبارهٔ همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛

۳- پخش دوبارهٔ همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛

۴- همانند مرحلهٔ اول، به آیات پخش شده گوش می‌دهیم، در هنگام وقف، ایست نوار را می‌زنیم و مانند نوار می‌خوانیم، و سپس به این نحو ادامه می‌دهیم؛

۵- بر عکس مرحلهٔ چهارم، اول می‌خوانیم و سپس با نوار مقایسه می‌کنیم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُونَ ﴿١﴾ لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَآ اَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَآ اَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ﴿٤﴾
وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَآ اَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَاَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ ۚ اِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

تفاوت حرف «طاء» از «تاء»

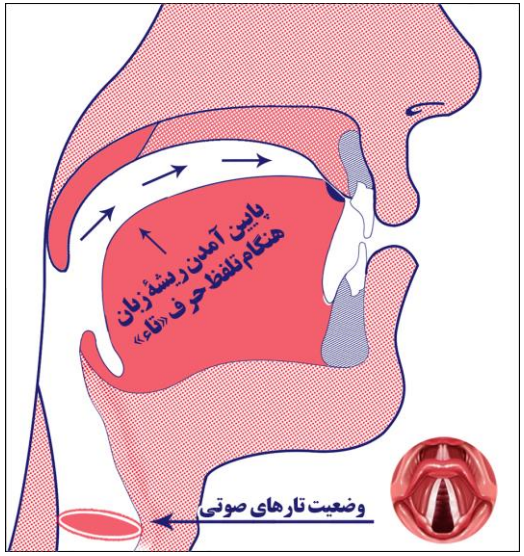

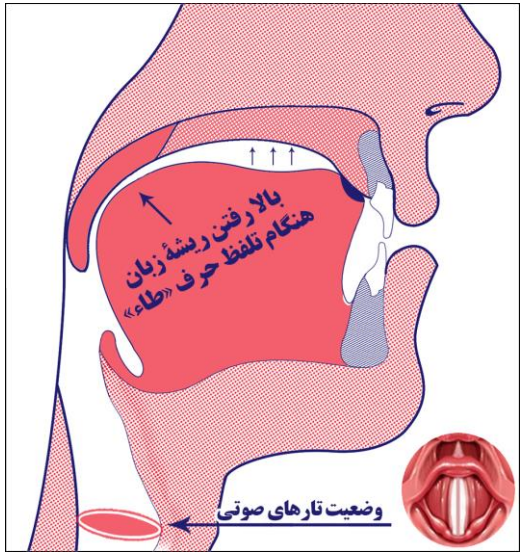

دو حرف «طاء» و «تاء» از اتصال بخش جلویی سطح زبان با ابتدای برآمدگی کام بالا و لثهٔ دندان‌های ثنایا و جدا شدن از آن، به صورت انفجاری تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «طاء»، **«انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد».**

مانند: «تِین، طِین» - «تَابَ، طَابَ»

تمرین حرف «طاء»

مَطْلَعِ ـ يُطْعِمُونَ ـ اَلطَّعٰامَ ـ حَطَبِ ـ عَطٰآءً ـ وَالطّٰارِقُ

اَطٰاعَ ـ مَنْ يُطِعْ ـ اَطِيعُوا ـ صِرٰاطَ ـ اَلْمُعْطِينَ ـ تَطَّلِعُ

سَلٰامٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ـ وَيُطْعِمُونَ الطَّعٰامَ عَلٰى حُبِّهِ

وَامْرَأَتُهُ حَمّٰالَةَ الْحَطَبِ ـ جَزٰآءً مِنْ رَبِّكَ عَطٰآءً حِسٰابًا

اَطِيعُوا اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ ـ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطٰاعَ اللّٰهَ

اِهْدِنَاالصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِيمَ ـ يٰا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَ يٰا خَيْرَ الْمُعْطِينَ

تفاوت حرف «ذال» از «زاء»

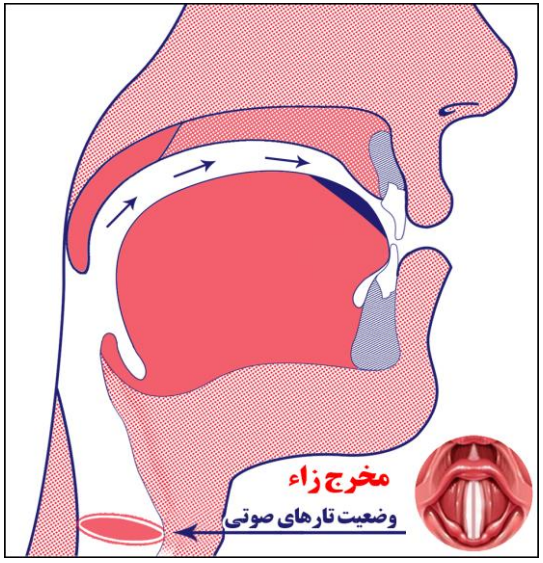

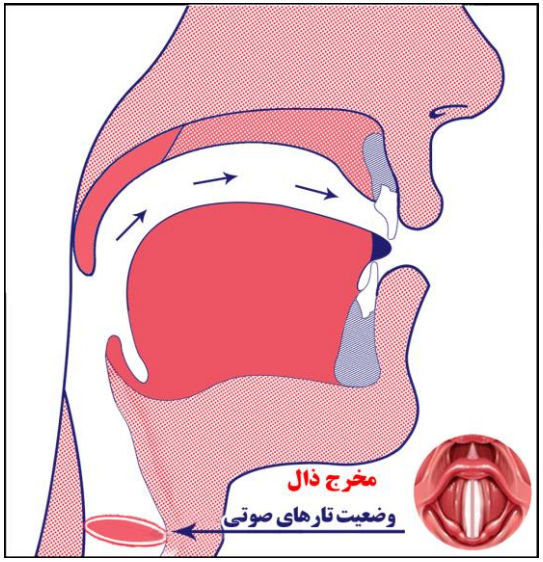

حرف «ذال»، در فارسی مانند حرف «زاء» از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثهٔ دندان‌های پایین تلفظ می‌شود، ولی در عربی حرف «ذال»، از **«تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم‌حجم تولید می‌گردد».**

مانند: «زَرْعًا، ذَرْعًا» - «زَلَّ، ذَلَّ»

تمرین حرف «ذال»

اَذْهَبَ ۔ اُذْكُرُوا ۔ يُذْهِبْنَ ۔ ذَكَرَ ۔ذٰلِكَ ۔ذٰاكِرِينَ ۔عَذٰابَ

ذِكْرٰى ۔ اَلَّذٰى ۔ اَلَّذِينَ ۔ اَعُوذُ ۔ يُكَذِّبُ ۔ اَذَّنَ ۔ مُؤَذِّنٌ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ۔اُذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

اِنَّ الْحَسَنٰاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئٰاتِ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذّٰاكِرِينَ

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ ۔ اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرٰى

صِرٰاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۔اَرَاَيْتَ الَّذٰى يُكَذِّبُ بِالدِّينِ

تفاوت حرف «ظاء» از «زاء»

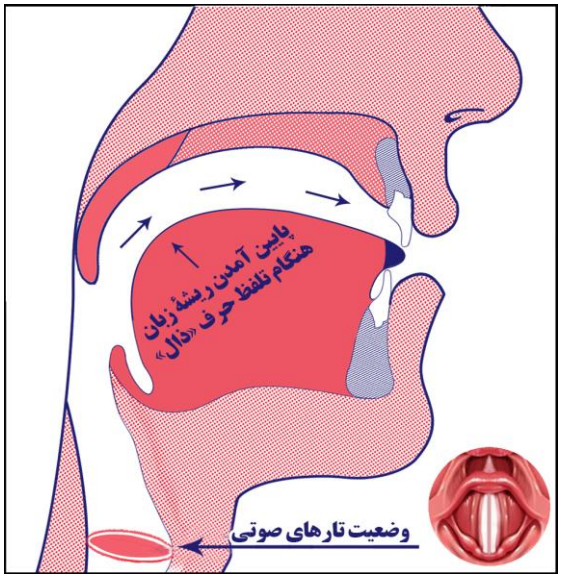

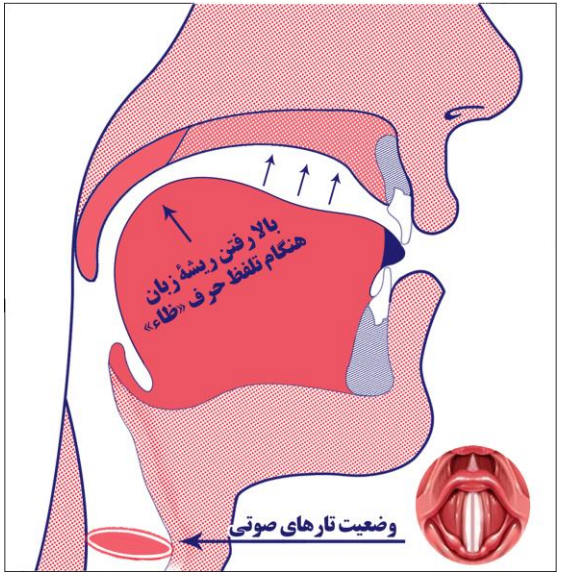

حرف «ظاء»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی همانند حرف «ذال» تلفظ می‌گردد با این تفاوت که در هنگام تلفظ «ظاء» ، **«انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد».**

مانند: «مَحْذُورًا، مَحْظُورًا» - «زَلَّ، ذَلَّ، ظَلَّ»

تمرین حرف «ظاء»

يَظْلِمُ ـ ظَلَمْتُ ـ لَا تَظْلِمُونَ ـ ظَهْرَكَ ـ ظٰالِمِينَ ـ نٰاظِرَةٌ

عَظِيمُ ـ لَحٰافِظِينَ ـ حِفْظُهُمٰا ـ مِنَ الظّٰالِمِينَ ـ حٰافِظُونَ ـ حَظٍّ

وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ـ سُبْحٰانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْلِي ـ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ ـ سُبْحٰانَ رَبِّنٰآ اِنّٰا كُنّٰا ظٰالِمِينَ

وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحٰافِظِينَ ـ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمٰا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

تلفظ «ضاد» صحیح نزد فقهای شیعه

شهید اول (متوفای ۷۸۶ هـ) در «اَلفِیّه، ص ۵۸»: «تلفظ حرف از مخرج آن که به صورت متواتر نقل شده، واجب می‌داند و می‌فرماید: اگر «ضاد» از مخرج «ظاء» و یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است».

صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ هـ) در «قواعد التجوید، ص ۵۱» و صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ) در «جواهر، ۹، ۳۹۹»، «ضاد صحیح را ضاد حجازی» می‌دانند که از: «بین کنارهٔ زبان و دندان‌های آسیا تلفظ می‌شود» و تلفظ «ضاد مصری» که شبیه «دال درشت» است را «صحیح نمی‌دانند و باعث بطلان نماز می‌شود»؛ و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده‌اند از جمله: «ضاد» اصعب‌الحروف است درحالی که «دال درشت» سختی ندارد.

تلفظ «ضاد» صحیح نزد علمای تجوید

علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیرعرب) می‌باشد و همه تصریح کرده‌اند:

«اَلضّادُ مِن بَینِ اَوَّلِ حافَةِ اللِّسانِ وَ ما یَلیهِ مِنَ الاَضراس»

و حرف «ضاد» را، «اَصعَب الحروف»، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می‌دانند. و کم هستند افرادی که آن را نیکو تلفظ کنند، و تلفظ آن به صورت «دال درشت صحیح نمی‌باشد» و آن را تلفظ افرادی می‌دانند که اصالتاً عرب نمی‌باشند (و بر اثر غلبهٔ قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

۱ ـ مکی بن ابی‌طالب (متوفای ۴۳۷ هـ) ، الرعایة فی تجوید القراءة ؛ ۲ ـ ابو عمرو دانی (متوفای ۴۴۴ هـ)، التحدید فی الاتقال و التجوید؛ ۳ ـ عبدالوهاب القُرطبی (متوفای ۴۶۱ هـ)، الموضح فی التجوید؛ ۴ ـ ابن الجزری (متوفای ۸۳۳ هـ)، النشر فی القراءات العشر؛ ۵ ـ محمود خلیل الحصری (متوفای ۱۴۰۱ هـ) احکام قراءة القرآن الکریم و...

تفاوت حرف «ضاد» از «زاء»

حرف «ضاد»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی:

«از بالا آمدن انتها و ریشهٔ زبان و برخورد تدریجی یکی از دو کنارهٔ زبان (به استثنای سر زبان) با دندان‌های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها به طرف کام بالا به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردد». مانند: «عِزِینَ، عِضِینَ»

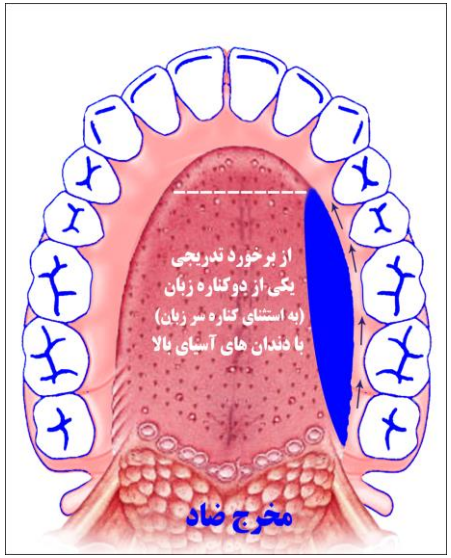

یادسپاری: «حرف ضاد»، دارای «صفت رخوت و استطاله» است؛ یعنی اضافه بر سایشی بودن، صدای حرف باید در مخرج آن جریان داشته باشد؛ از این‌رو در تلفظ «ضاد مشدد» باید دقت نمود تا «صدای حرف قطع نگردد».

تمرین حرف «ضاد»

فَضْلًا ـ رِضْوٰانًا ـ وَضَعْنٰا ـ وَلَا الضّٰآلِّينَ ـ اَلضَّعِيفْ ـ مَغْضُوبِ

رَضِيَ ـ رَضِيتُ ـ مَرْضِيَّةً ـ رٰاضِيَةً ـ بَعْضَكُمْ ـ رَضُوا ـ يَحُضُّ

يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَ رِضْوٰانًا ـ اِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَاالضّٰآلِّينَ ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ

وَ لَا يَحُضُّ عَلٰى طَعٰامِ الْمِسْكِينِ ـ وَ اللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ

اِرْجِعِيٓ اِلٰى رَبِّكِ رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً ـ رَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلٰامَ دِينًا

تفاوت حرف «ضاد» از «ظاء»

با توجه به شباهت دو حرف «ضاد» و «ظاء» در تلفظ، و فتوای مراجع بزرگوار تقلید که «اگر «ضاد»، به صورت «ظاء»، یا برعکس تلفظ گردد، نماز باطل است»،[1] باید دقت نمود تا هر حرف از مخرج خود ادا شود و از یکدیگر تمیز داده شوند.

«حرف ظاء» ، «از برخورد سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا تولید می‌شود» ولی «حرف ضاد» ، **«از برخورد تدریجی یکی از دو کنارهٔ زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها تولید می‌گردد»** و سر زبان در تولید آن نقشی ندارد.

---

۱. عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۲ و ۳۷.

تمرین حرف «ضاد» و «ظاء»

هنگام تمرین دقت شود: هر حرف از مخرج خود ادا و از یکدیگر تمیز داده شوند.

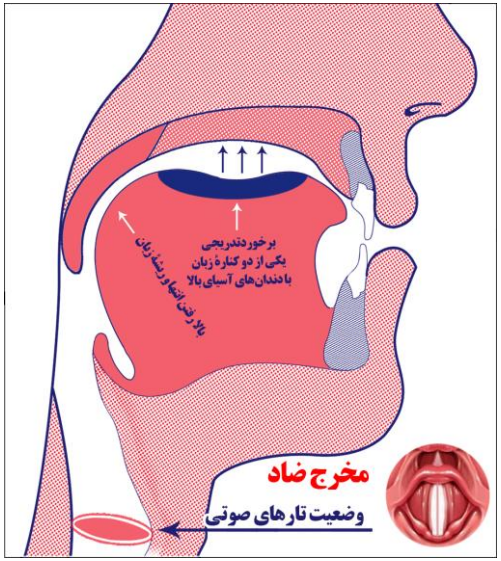

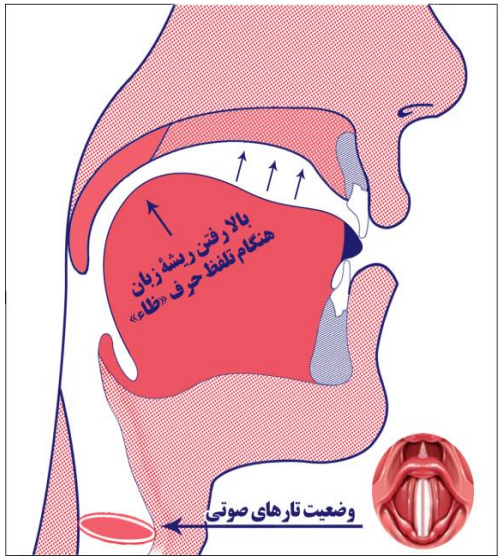

« ضَلَّ - ظَلَّ » - « نَضْرَةً - نَظْرَةً » - اَنْقَضَ ظَهْرَكَ . ذُوفَضْلٍ عَظِيمٍ

مُغٰاضِبًا فَظَنَّ . ظَلَمَتْ مٰا فِي الْاَرْضِ - بَعْضَ الظّٰالِمِينَ . فِي ظُلُمٰاتِ الْاَرْضِ

يَعَضُّ الظّٰالِمُ . لٰاتَظْمَأُ فِيهٰا وَ لٰا تَضْحٰى - وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نٰاضِرَةٌ اِلٰى رَبِّهٰا نٰاظِرَةٌ

تفاوت حرف «ثاء» از «سین»

حرف «ثاء»، در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می‌شود ولی در عربی مانند حرف ذال **«از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم‌حجم تولید می‌گردد»**، با این تفاوت که در تلفظ حرف «ثاء» برخلاف حرف ذال، «تارهای صوتی مرتعش نمی‌شود».

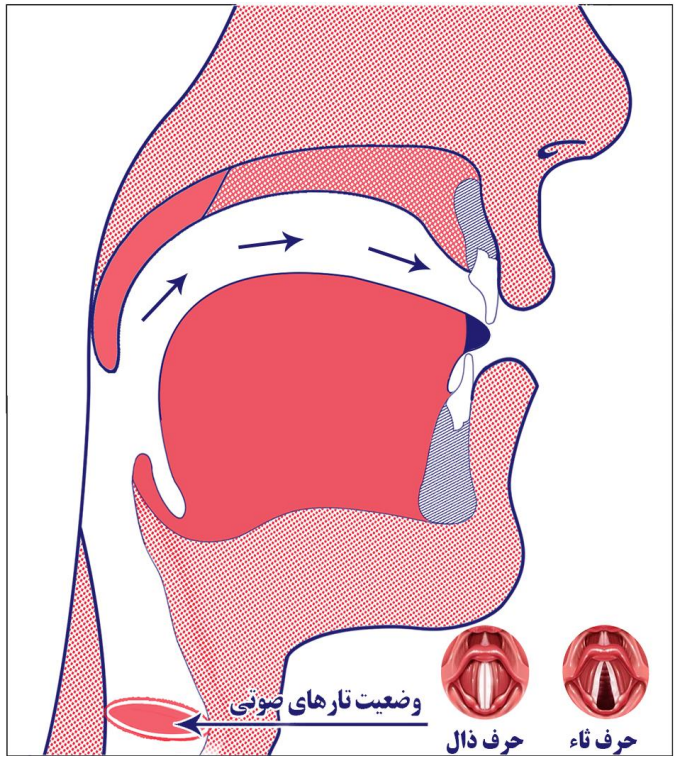

مانند: «اِسْمَ، اِثْمَ» - «بَسَّ، بَثَّ»

تمرين حرف «ثاء»

مَثْنٰى ـ مِثْقَالَ ـ اَثْقَالَهَا ـ كَوْثَرَ ـ ثَقُلَتْ ـ ثَلَاثَةٍ ـ ثَالِثُ

ثِيَابَكَ ـ بُعْثِرَ ـ كَثِيرًا ـ اَلتَّكَاثُرُ ـ اَلثَّاقِبُ ـ ثُلَاثَ ـ مُدَّثِّرُ

اِنَّآ اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ـ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ـ وَاَخْرَجَتِ الْاَرْضُ اَثْقَالَهَا

ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ ـ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ـ اِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ـ اَلنَّجْمُ الثَّاقِبُ ـ مَثْنٰى وَثُلَاثَ

صفت قلقله

در تلفظ پنج حرف «قطب جد» در هنگام ساکن بودن باید دقت نمود که صدای حرف حتماً شنیده شود، برای این منظور، **«پس از تلفظ حرف، باید صدای آن را آزاد و آشکار نمود»** که به‌این حالت، «قلقله» می‌گویند؛ مانند:

اَبْتَرْ ـ اَدْرٰىكَ ـ فَوَسَطْنَ ـ يَجْعَلُ ـ اِقْرَأْ

در قلقلهٔ آخر کلمات (هنگام وقف) باید دقت بیشتری نمود؛ مانند:

كَسَبْ ـ اَحَدْ ـ مُحِيطْ ـ بُرُوجْ ـ مَا خَلَقْ

وَتَبْ ـ اَشَدّْ ـ لَا تُشْطِطْ ـ فِي الْحَجّْ ـ بِالْحَقّْ

نکته: در هنگام قلقله، حرف هیچگونه حرکتی به خود نمی‌گیرد و صدای حرف به صورت ساکن رها می‌شود.

مدّ فرعی و عارضی

«مدّ» در لغت: «زیادت، افزونی و کشش»؛ و در اصطلاح قرائت:

«کشش صوت بیش از مقدار طبیعی در حروف مدّی».

«حروف مدّی» به طور طبیعی باعث دو برابر مدّ و کشش صدای حرکات می‌شوند، از این رو به آنها «مدّ طبیعی، ذاتی و اصلی» گفته می‌شود.

هرگاه «بعد از حروف مدّی، سبب مدّ (همزه یا سکون) بیاید»، در این صورت «حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی کشیده می‌شوند»، از این رو به آنها «مدّ غیرطبیعی، عارضی و فرعی» گفته می‌شود.

«مدّ فرعی»، تقسیماتی دارد که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

مدّ فرعی در روایات اسلامی

۱- ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: آن حضرت (به مناسبتی) در تلاوت سورهٔ حمد، وقتی به ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ رسیدند، فرمودند: «مَدَّ بِهَا رَسولُ اللهِ صَوتَهُ ﴿وَلَا الضَّآلِّينَ﴾»؛ یعنی:

«رسول خدا، الف مدّی ﴿وَلَا الضَّآلِّينَ﴾ را با مدّ و کشش بیشتری می‌خواندند»[1].

۲- ابن‌الجزری از ابی‌مسعود در قرائت آیهٔ ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ﴾ از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت

«الف مدّی ﴿لِلْفُقَرَاءِ﴾ را به مدّ خوانده است، پس شما هم آن را مدّ بدهید»[2].

---

۱. فروع کافی، ج ۶، ص ۲۲۳.
۲. النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۳۱۵.

مدّ فرعی در فتوای مراجع تقلید

فتوای مراجع تقلید در رابطه با مدّ فرعی، مختلف و به شرح ذیل می‌باشد:[1]

۱- بهتر آن است که با مدّ خوانده شود؛

۲- «مدّ متصل و لازم» واجب است؛

۳- «مدّ متصل»، احتیاط مستحب و «مدّ لازم» واجب است؛

۴- «مدّ متصل و لازم» باید مدّ داده شوند و اگر مدّ ندهند، احتیاطاً نماز را تمام کنند و دوباره بخوانند.

هرکس باید به فتوای مرجع تقلید خود (در مسألهٔ قرائت نماز) مراجعه کند.

علت مدّ را اضافه بر روایات، علمای ادبیات عرب و تجوید: سهولت تلفظ در همزه و رفع التقای ساکنین در حرف ساکن بیان کرده‌اند.

---

۱ . توضیح‌المسائل مطابق با فتوای سیزده نفر از مراجع تقلید، مسأله ۱۰۰۳ .

۱ ــ مدّ متّصل = مدّ واجب

مدّ متّصل حرف مدّ و همزه در یک کلمه می‌باشد؛ مانند:

يَشَآءُ ـ سِيٓـَٔتْ ـ سُوٓءُ ـ مَلَآئِكَةَ ـ تَفِيٓءَ ـ تَشَآءُونَ

مقدار کشش ۴ یا ۵ (و در هنگام وقف) ۶ حرکت می‌باشد.

به مدّ متّصل، «مدّ واجب» نیز می‌گویند، چون همهٔ علمای قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتّفاق نظر دارند.

یادسپاری: مراد از واجب، «وجوب صناعی» می‌باشد؛ یعنی: نزد علمای فَنّ تجوید، واجب است، اما «وجوب شرعی» را باید به فتوای مرجع تقلید، مراجعه کرد.

۲ ــ مدّ منفصل = مدّ جایز

مدّ منفصل حرف مدّ در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمهٔ بعدی می‌باشد؛ مانند:

رَبَّنَآ إِنَّكَ ـ وَرُسُلِىٓ إِنَّ ـ قَالُوٓا إِنَّا ـ إِنَّآ أَنزَلْنَا ـ فِىٓ أَهْلِ ـ قُوٓا أَنفُسَكُمْ

مقدار کشش ۲ (همان مد طبیعی) تا ۵ حرکت می‌باشد.

به مدّ منفصل، «مدّ جایز» نیز می‌گویند، چون همهٔ علمای قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر ندارند.

یادسپاری: «مدّ منفصل» تنها در «حالت وصلی» می‌باشد، و در حالت وقفی «مد طبیعی» خواهد بود؛ مانند: رَبَّنَا * إِنَّكَ

مَدّ سکون لازم و عارض

«مدّ سکون لازم»: بعد از حروف مـدّی، حـرف سـاکن ثابـت باشـد؛ مانند: ءَآلْـَٔنَ، وگـاهی حرف ساکن در حرف بعدی ادغام می‌شـــود و به صورت حرف مشدّد خوانده می‌شود؛ مانند: وَلَا الضَّآلِّينَ.

«مدّ سکون لازم» نزد همهٔ علمای قرائت و تجوید لازم است (۶ حرکت).

«مدّ سکون عارض» بعد از حروف مدّی، حرف ساکن بر اثر وقف، عـارض شود؛ مانند: تُكَذِّبَانِ = تُكَذِّبَانْ؛ نَسْتَعِينُ = نَسْتَعِينْ، تَعْلَمُونَ = تَعْلَمُونْ.

«مدّ سکون عارض» جایز است و قاری مختار است تا ۶ حرکت مدّ دهد.

اهمیّت وقف و ابتدا

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا﴾

قال عليٌّ عليه السلام: «اَلتَّرتيلُ حِفظُ الوُقوفِ وَبَيانُ الحُروفِ».

یکی از مباحث «علم قرائت»، مبحث «وقف و ابتدا» است که در رابطه با موارد «وقف و ابتدا و نحوهٔ وقف نمودن بر آخر کلمات» بحث می‌کند. و در اهمیّت آن، همین بس که امیرمؤمنان حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام آن را نیمی از ترتیل قلمداد فرمودند و علمای قرائت بر این باورند که:

«هر کس موارد وقف را نشناسد قرآن خواندن را نمی‌داند».

و مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در نماز «وقف به حرکت و وصل به سکون نشود» که به بررسی آنها می‌پردازیم.

وقف و ابتدا

«مطالب وقف و ابتدا»، شامل دو مبحث کلی است.

۱- انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا؛

۲- نحوهٔ وقف نمودن بر آخر کلمات و آغاز نمودن از ابتدای کلمات.

لازمهٔ «انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا» آشنایی با معانی آیات می‌باشد، و علمای قرائت، رموزی را برای محل مناسب وضع نموده‌اند که به «رموز سجاوندی» مشهور است، ودرصفحه‌آخر برخی‌قرآن‌ها آمده است.

در قرائت قرآن، وقف بر مُتَحرّک جایز نیست و در صورت متحرّک بودن تغییراتی در آخر کلمات به وجود می‌آید که مهمترین آنها «وقف اسکان و ابدال» می‌باشد.

وقف اسکان

«اِسکان»، یعنی: «ساکن کردن»؛ اگر آخر کلمه، متحرّک و یا تنوین کسره و ضمه (ـَـِـُـٍـٌ) باشد، هنگام وقف، «ساکن» می‌گردد؛ مانند:

رَبِّ الْعٰالَمِينَ ⇐ رَبِّ الْعٰالَمِينْ ـ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ⇐ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمْ

اِيّٰاكَ نَسْتَعِينُ ⇐ اِيّٰاكَ نَسْتَعِينْ ـ ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ⇐ ذُو حَظٍّ عَظِيمْ

وَحُورٌ عِينٌ ⇐ وَحُورٌ عِينْ

یادسپاری: اگر آخر کلمه، ساکن و یا حروف مدّی باشد، تغییری در آن داده نمی‌شود؛ مانند: قُمْ فَاَنْذِرْ ـ فَانْطَلَقٰا ـ وَادْخُلِي جَنَّتِي ـ وَلٰا تُسْرِفُوا

وقف ابدال

«اِبدال»، یعنی «تبدیل کردن»؛ اگر آخر کلمه، تـایِ گـرد «ـة ، ة» باشد، هنگام وقف تبدیل به های ساکن «ـهْ ـهْ» می‌شود، مانند:

اَلصَّلٰوةَ ⟸ اَلصَّلٰوهْ ـاَلْبَرِيَّةِ ⟸ اَلْبَرِيَّهْ ـاَلْوَاقِعَةُ ⟸ اَلْوَاقِعَهْ

مُطَهَّرَةٌ ⟸ مُطَهَّرَهْ ـمَرْفُوعَةٍ ⟸ مَرْفُوعَهْ ـوَاحِدَةٌ ⟸ وَاحِدَهْ

و همچنین اگر آخر کلمه تنـوین فتحـه (ـً) باشـد، هنگـام وقـف، تنوین حذف و «تبدیل به الف مدی (ـَا)» می‌شود؛ مانند:

اَعْنَابًا ⟸ اَعْنَابَا ـ هُدًى ⟸ هُدَى ـعِشَآءً ⟸ عِشَآءَا

وقف به حرکت و وصل به سکون

همهٔ مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در قرائت نماز، «وقف به حرکت و وصل به سکون» انجام نگیرد.

در هنگام وقف دو کار همزمان باید انجام گیرد.

۱- قطع صوت و فاصله انداختن بین دو کلمه (تا وقف تحقُّق پیدا کند)؛

۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه (چرا که وقف بر متحرّک جایز نمی‌باشد).

اگر وقف بشود ولی حرف آخر کلمه ساکن نگردد؛ می‌شود «وقف بر متحرّک» و اگر حرف آخر کلمه ساکن شود ولی وقفی صورت نگیرد، می‌شود «وصل به سکون»، و هر دو در قرائت قرآن جایز نمی‌باشند.

خَلط و مَزج

در قرائت قرآن، باید دقّت شود که کلمات شمرده و پشت سر هم خوانده شوند و بین اجزای یک کلمه، مکثی صورت نگیرد تا آن کلمه، تبدیل به دو کلمهٔ جدا از هم گردد، مانند:

﴿اَلۡحَمۡدُ لِلّٰهِ﴾و﴿اِيّاكَ نَعۡبُدُ﴾ به صورت «اَلۡحَمۡ، دُلِلّٰهِ» و «اِيّا، كَنَعۡبُدُ» خوانده نشود که در علم قرائت به آن «خلط و مزج» می‌گویند و باعث نامفهوم شدن و یا تغییر معنای آیات می‌گردد. بعضی گفته‌اند که برای پرهیز از این کار باید روی دال «اَلۡحَمۡدُ» و کاف «اِيّاكَ» مکث شود که صحیح نمی‌باشد.

در زبان فارسی نیز چنین است؛ مانند «به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم»؛ اگر وسط کلمهٔ «توبه» مکث کنیم، خوانده می‌شود: «به عزم تو، به سحر گفتم استخار کنم».

وقف بر آخر آیات، سُنّت نبوی

«وقف بر آخر آیات، سُنّت نبوی و سیرهٔ مسلمانان است».

ام السَّلَمه، همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت وقتی قرآن می‌خواند، آیه آیه قرائتش را قطع (وقف) می‌کرد.

«کانَ اِذا قَرَأَ، قَطَعَ قِراءَتَهُ آیَةً آیَةً» (النشر / ۱ / ۲۲۶)

و در اذان و اقامه نیز تأکید شده که بر آخر هر قسمت، وقف و ساکن گردد.

قال الصادق علیه السلام: «اَلاَذانُ وَالاِقامَةُ مَجزومان» و فی حدیث آخر: «مَوقوفان»[۱]

یادسپاری: در رساله‌های عملیهٔ مراجع بزرگوار تقلید نیز، «وقف بر آخر آیات و بر آخر هر قسمت از اذان و اقامه، جزء مستحبات نماز» شمرده شده است.

---

۱. وسائل الشیعه، ۴ ، ۶۳۹ ، ح ۴ و ۵.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ ٱلنَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِن كُلُّ
نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِن مَّآءٍ
دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجْعِهِۦ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ
يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

مباحثی که تا به حال مورد بررسی قرار دادیم در رابطه با تلفظ صحیح حروف ، کلمات و آیات قرآن کریم و وقف نمودن بر آخر کلمات و آیات بود که بر همه لازم است در قرائت قرآن رعایت کنند و جزءِ «ترتیل واجب» می‌باشد.

مباحث دیگر، تجویدی است که رعایت آنها، باعث روان ونیکو خواندن قرآن می‌شود که به آنها «صفات عارضی و مُحَسِّنه» می‌گویند، و فقهای بزرگوار تقلید آن را جزء «مُحَسّنات قرائت» شمرده‌اند و جزءِ «ترتیل مستحب» می‌باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

صفت لین

دو حرف واو و یای ساکن ماقبل مفتوح «ـَـوْ، ـَـیْ» دارای «صفت لین» می‌باشند که باید به صورت «نرم و آسان از مخرج‌شان تلفظ می‌شوند». در تلفظ این دو حرف، باید دقت نمود که نخست فتحهٔ قبل از واو و یاء متمایل به‌ضمه‌وکسره نشود «یَوْم= یُوم» و «خَیْر= خِیْر» خوانده نشوند و واو و یای ساکن نیز به آرامی و روان خوانده شوند؛ مانند:

یَوْمَ ـ کَوْثَرْ ـ تَوَاصَوْا ـ سَوْفَ ـ تَوْبَةُ ـ وَیْلٌ

غَیْرِ ـ عَلَیْهِمْ ـ شَیْطَانْ ـ لَیْسَ ـ اَعْطَیْنَاكَ ـ اَرَاَیْتَ

صفت غُنّه

«فضای بینی» را «خیشوم» و «صدایی که از آن خارج می‌شود را غُنّه» می‌گویند. «غُنّه» جزءِ جدایی‌ناپذیر «دو حرف نون و میم»، (ساکن باشند یا متحرّک) می‌باشد. اما در مواردی این دو حرف، دارای «غُنّهٔ فرعی و عارضی» بوده و به میزان دو حرکت، صدا از فضای بینی خارج می‌شود؛ کامل‌ترین‌حالت«غُنّه»در صورت «مشدّد» بودن این دو حرف می‌باشد؛ مانند:

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ ـ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّٰاسِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ ءٰالِ مُحَمَّدٍ ـ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهٰا

بعضی افراد به جای «غُنّهٔ فرعی نون و میم»، صدای کوتاه نون و میم و یا حرف قبل از آنها را می‌کشند و به این صورت می‌خوانند: «صَلِّ عَلٰی مُحَامَّد وَ آلِ مُحَمَّاد» که صحیح نمی‌باشد.

ادغام

ادغام «تلفظ دو حرف ساکن و متحرک است از یک مخرج، بطوری کـه در تلفظ آنها فاصله نیفتد»؛ و بر دو قسم است:

۱ ـ ادغام صغیر: «حرف مدغم، ساکن و مدغم فیه متحرک»؛ مانند:

ثُمْ مَ ⟸ ثُمَّ ؛ قُلْ لَهُمْ ⟸ قُلَّهُم

۲ ـ ادغام کبیر: «حرف مدغم متحرک، نخست ساکن شده (تا زمینـهٔ ادغـام به وجود آید) و سپس ادغام می‌شود»؛ مانند:

مَدَدَ ⟸ مَدْدَ ⟸ مَدَّ ؛ قٰالَ لَهُمْ ⟸ قٰالْ لَهُمْ ⟸ قٰالَّهُمْ

حکم شرعی ادغام: ادغام در یک کلمه واجب است ولی در دو کلمـه بـر ادغـام صغیر تأکید شده ولی ادغام کبیر جایز نمی‌باشد. (عروة الوثقی، فی احکام القراءة، مسأله ۴۹ و ۵۲)

احکام نون ساکن و تنوین

رعایت «احکام نون ساکن و تنوین»، جزء «مُحَسّنات قرائت» می‌باشد، ولی بعضی از مراجع بزرگوار تقلید، «ادغام در یرملون» را، «احتیاطاً لازم» دانسته‌اند.

«نون ساکن و تنوین» در مجاورت «بیست و هشت حرف»، «چهار حکم» دارد:

۱ ـ اظهار: «نْ + حروف حلقی»؛ (أ، هـ ، ع ، ح ، غ ، خ)؛

۲ ـ ادغام: «نْ + یرملون»؛ ادغام
- با غُنّه: «یـ مـ و ن»
- بدون غُنّه: «ل ، ر»

۳ ـ قلب به میم: «نْ + ب = م اخفای با غُنّه»؛

۴ ـ اخفاء: «نْ + مابقی حروف = اخفای با غُنّه».

۱- احکام نون ساکن و تنوین «اظهار»

«نون ساکن و تنوین» نزد «حروف حلقی»، «اظهار» می‌شود؛

«نون ساکن» به صورت آشکار و بدون تغییر خوانده می‌شود؛ مانند:

أ ← يَنْأَوْنَ ـ مِنْ أَحَدٍ ـ أَسْبَاطًا أُمَمًا ـ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ـ رَسُولٌ أَمِينٌ

هـ ← مِنْهُمْ ـ إِنْ هُوَ ـ فَرِيقًا هَدَى ـ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ـ أَفَسِحْرٌ هَذَا

ع ← أَنْعَمْتَ ـ مِنْ عِلْمٍ ـ قُرْءَانًا عَجَبًا ـ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ـ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ح ← وَانْحَرْ ـ مِنْ حَكِيمٍ ـ عَلِيمًا حَكِيمًا ـ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ـ حَمِيمٌ حَمِيمًا

غ ← فَسَيُنْغِضُونَ ـ يَكُنْ غَنِيًّا ـ لَا أَجْرًا غَيْرَ ـ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ـ مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ

خ ← وَالْمُنْخَنِقَةُ ـ مِنْ خَيْرٍ ـ عَلِيمًا خَبِيرًا ـ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ـ قَوْمٌ خَصِمُونَ

۲- احکام نون ساکن و تنوین «ادغام»

«نون ساکن و تنوین» در «یرملون»، «ادغام» می‌شود، و بر دو قسم است:

بدون غُنّه

ر مَن رَّحِمَ ـ بَشَرًا رَّسُولًا ـ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ـ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ل مِن لَّدُنْ ـ رِزْقًا لَّكُمْ ـ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ ـ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ

با غُنّه

ن اِن نَّشَأْ ـ وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ ـ اِلَىٰ شَيْءٍ نُّكُرٍ ـ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ

م مَن مَّعِيَ ـ فَتْحًا مُّبِينًا ـ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ـ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

و مِن وَلِيٍّ ـ أُمَّةً وَاحِدَةً ـ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ـ أُذُنٌ وَاعِيَةٌ

ی مَن يَقُولُ ـ سَاقِطًا يَقُولُوا ـ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ـ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

«نون ساکن و تنوین» نزد حرف «باء»، «قلب به میم» و به صورت «میم اخفایی و با غُنّه» خوانده می‌شود.

«اخفا»: «حالتی است بین اظهار و ادغام همراه با غُنّه».

هنگام اخفای میم، لب‌ها به مخرج باء، نزدیک و صدای «غُنّه میم به اندازهٔ دو حرکت» از فضای بینی خارج می‌شود و سپس حرف باء ادا می‌گردد؛ مانند:

اَنۢبِیآءَ ـ مِنۢ بَعۡدِ ـ بَصِیرُۢ بِمَا ـ سَمِیعَۢا بَصِیرًا ـ جَنَّةٍ بِرَبۡوَةٍ

اَنۢبِئُهُمۡ ـ مَنۢ بَعَثَنَا ـ عَلِیمُۢ بِذَاتِ ـ جَزَآءَۢ بِمَا ـ كِرَامِۢ بَرَرَةٍ

۴- احکام نون ساکن و تنوین «اخفاء»

«نون ساکن و تنوین»، نزد «پانزده حرف» (باقیمانده)، «اخفاء» می‌شود و «با غُنّه» همراه است.

هنگام اخفاء، تنها قسمت خیشومی نون، به اندازهٔ دو حرکت در فضای بینی نگه داشته می‌شود و همزمان، زبان به طرف حرف بعدی نزدیک شده و سپس حرف بعدی تلفظ می‌گردد؛ مانند:

اِن تَحْمِلْ ـ خَيْرٌ ثَوٰابًا ـ اِن جَعَلَ ـ رُكْنٍ شَدِيدٍ ـ مِن ذَهَبٍ

نَفْسًا زَكِيَّةً ـ اَن سَيَكُونُ ـ كَأْسًا دِهٰاقًا ـ وَلَمَن صَبَرَ

احکام میم ساکن

۱- «میم ساکن» در حرف «میم متحرّک» بعد از خود «ادغام باغُنّه» می‌شود، صدای میم مشدّد به اندازهٔ دو حرکت در فضای بینی امتداد می‌یابد؛ مانند:

كَمْ مِنْ= كَمِّنْ ؛ هُمْ مِنْهَا = هُمِّنْهَا ؛ لَهُمْ مَا = لَهُمَّا

۲- «میم ساکن» در مجاورت حرف «باء»، «اخفاء باغنّه» می‌شود؛ مانند:

رَبَّهُم بِهِمْ ـ اَنْتُم بِهِ ـ عَلَيْكُم بِوَكِيل ـ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ

۳- «میم ساکن» در مجاورت «بیست و شش حرف» باقیمانده، «اظهار» می‌گردد؛ مانند: اِنَّهُمْ كَانُوا ـ تُمْسُون ـ لَكُمْ فِيهَا ـ اَمْوَالَهُمْ

استعاذه (پناه بردن به خداوند)

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

«هنگامی که قرآن می‌خوانید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه بَر»

«اِستعاذه» به معنای: «پناه بردن» است و مراد از آن گفتن جملهٔ «اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمْ» می‌باشد.

فقهای بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت قرآن و قبل از سورهٔ حمد در رکعت اول) «مستحب می‌دانند» و در رابطه با نحوهٔ گفتن «اِستعاذه» جملات «اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمْ» و «اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمْ» نقل نموده‌اند (عروة الوثقی، فی مستحبات القراءة)

در روایات سفارش شده که بعد از خواندن بعضی از سوره‌ها، اذکاری متناسب با مضمون همان سوره گفته شود؛ از همین رو مراجع بزرگوار تقلید، گفتن آنها را جزء «مستحبّات قرائت» در نماز شمرده‌اند، از جمله «بعد از سوره حمد»، گفتن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينْ» و «بعد از سوره توحید» گفتن «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي». (عروة الوثقی، مستحبّات قرائت)

برای اطلاع بیشتر، به کتاب «آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمه ذکرهای تلاوت» نوشتهٔ مؤلف، مراجعه فرمائید.

«حقّ نماز» بر تو این است که بدانی: «با آن به مهمانی خداوند می‌روی و در پیشگاه او می‌ایستی، و چون این را دانستی، سزاوار است که به نماز بایستی مانند بنده‌ای خوار، رغبت‌کننده، ترسان، امیدوار، بی‌چیز، زاری‌کننده و بزرگ‌دارندهٔ کردار؛ کسی که با آرامش و وقار و زیبایی در گفتار و تقاضای آزادی از آتش نسبت به لغزش‌ها و گناهانی که باعث نابودی تو می‌شود؛ (نمازت را به جان و دل بپا داری و حدود و حقوق آن را رعایت نمایی و به یاد داشته باشی که) هیچ نیرویی جزء نیروی خداوند وجود ندارد».

شکـــرانـــه

خداوند را شاکرم که به این بندهٔ ناچیز، توفیق داد تا در زمرهٔ مبلغین احکام دین مُبـین اسلام قرار گیرم و چند صفحه در رابطه با آموزش صـحیح نمـاز بـه یادگـار بگـذارم، امیدوارم به فضل و کرمش بپذیرد و ذخیرهٔ آخرتم قرار دهد.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾

از همهٔ عزیزانی که از این نوشته، استفاده می‌کنند، التماس دعا دارم و اگـر نقیصـه‌ای دیدند، تذکر دهند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

برای استفاده از این نوشته، به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم ـ قسمت علوم قرآنی ـ علی حبیبی احمدآبادی مراجعه فرمایید.

آدرس ما در سروش: @habibi.tajvid

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۳۶ ـ مصادف با سالروز شهادت اولین شهید محراب، امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام (۱۷تیرماه۱۳۹۴)

قم ـ شیخ علی حبیبی ـ همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹